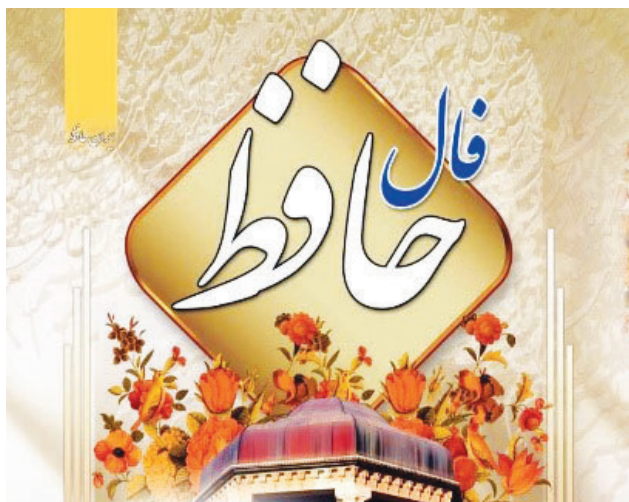




امروز شما



فروردین مهر

کسی که برعکس جریان حرکت می کند باید عواقب آن را نیز پذیرفته باشد. تو دوست داری آزاد و رها باشی و این آزادی براحق بدست نمی آید. سروسامان می گیرد.

اردیبهشت آبان

تخیلات مثل ریسمان درازی است که هر چه می کشی پایانی ندارد. خود را از این تخیلات رها کن و واقع بین باش. کسی را که دوست داری، دچار توهم نکن. با او شفاف و روراست باش.

خرداد آذر

بی ملاحظه به دیگران اعتماد می کنی. شاید این کار نشانه حسن نیت تو باشد. اما باید مراقب بود که دیگران از این رفتار سوء استفاده نکنند. چون همه نیت خوبی ندارند.

دی بهمن

بهر است به جای پرداختن به رویاهای زیبا اما غیرممکن به واقعیت های موجود توجه کنی. درست است که این واقعیات تلخ و دشوار به نظر می رسد اما تو پیروزیات را از متن همین واقعیت ها می یابی.

تیر شهریور

به خاطر برخورد اشتباهت، دچار بحران عاطفی خواهی شد. فعلاً برای این موضوع نمی توان کاری کرد. باید منتظر بمانی تا ابعاد آن مشخص شود و بعد فکر چاره کنی.

مرداد اسفند

در شرایطی قرار گرفتی که تحت نظر هستی. هر کاری که بکنی، فوراً به چشم می آید و دیده می شود. باید مراقب رفتار و کردارت باشی و خطایی مرتکب نشوی چون اتفاق بزرگی در انتظار توست.

شهریور شهریور

باید وقت گرانبهای خود را به مسائل بیهوده و نزاع های بی حاصل با کسی که ارزش تو را نمی داند، هدر دهی. باید به فکر تغییر این اوضاع باشی و با کسی معاشرت کنی که قدر تو را بداند.

مویلا زارعی؛ خلاق در تکمیل پازل شخصیت پردازی



است. زارعی البته پیشتر، شمایلی از چنین نقشی را در دست های خالی ابوالقاسم طالبی، در کسوتی متفاوت ایفا کرده بود اما تفاوت این دو نقش، در مهندسی و کنترل هیجان درون گرایی است که نباید چندان به چشم اطرافیان بیاید. فارغ از خط کشی های محتوایی که وی را در قالب داستانی به جلو پیش می راند و راوی حدیث نفس او در یک طی طریق عاشقانه است اما نمی توان از خلاقیت های بدیع او در باورپذیر کردن بیشتر نقش گذشت. شهره در یک سوم ابتدایی هناس، یک روند درون ریز از یک ترس آگاهانه را بارور می کند، در نیمه های فیلم، این روند، طی بروز مشکلاتی، با وجوه بیرونی اجرا، به شکل بارزتری به مخاطب منتقل شده و در یک سوم پایانی که گونه ای آرامش خاطر بر فضای فیلم مستولی می شود، شاهد اکت های هیجانی یک باره از کاراکتر شهره هستیم که اوج آن در سکانس ترور شهید رضایی نژاد و آن بهره مندی درست از زبان بدن است که حتی پیش از فاجعه ترور، مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد. این واکنش سبب می شود تا هناس، میخ غافل گیری خود را در این سکانس مهم، به خوبی به زمین زده و به یک فینال تأثیر گذار برسد. این روند مبتکرانه در بازی زارعی، طی یک دهه اخیر، بروز بیشتری داشته و سبب شده تا مخاطب، در بسیاری از فیلم ها و سریال ها این بازیگر، شاهد نوآوری های ملموسی باشد که به تکمیل چرخه شخصیت پردازی، کمک قابل توجهی می کند. هم چنان که این روزها، زارعی، نقش آفرینی های متفاوتی را در قالب مدهدعلیای سریال جبران و روح انگیز سریال نوبت لیلی تجربه کرده است. البته که دوری زارعی از فضای حاشیه، یکی دیگر از علل موفقیت او در سینمای ایران بوده است. وی در تمام این سالها، تنها با نقش های محک زده شده و با دوری آگاهانه از فضاهای حاشیه ساز، ترجیح داده تا تمام تلاش خود را بر روی عملکرد هنری معطوف کند. طبیعتاً بازیگری با این مختصات، همواره نوآوری هایی برای انتخاب های جدید خود دارد؛ عنصری که در این روزگار پرتکرار در حوزه بازی، به عنوان هسته جریان ساز یک ذهن سیال، با اقبال بالایی از جانب مخاطبان و منتقدان مواجه می شود.

باستان شناسان در «پمپئی» لاک پشت کشف کردند



باستان شناسان با کاوش در شهر تاریخی «پمپئی» به بقایای به جای مانده از لاک پشت و تخم هایش یافتند. به گزارش ایلنا و به نقل از رویترز، شهر تاریخی «پمپئی» که در سال ۷۹ میلادی بر اثر فوران آتشفشان نابود شد، سالها محل کاوش باستان شناسان بوده است. گروهی باستان شناسان با ادامه کاوش در این محل بقایای یک لاک پشت و تخم هایش را کشف کرده اند. بقایای به جای مانده از این حیوان زیر یک انبار واقع در این شهر پیدا شده است و کارشناسان معتقدند این لاک پشت پیش از فوران آتشفشان جانثی را از دست داده بود. «الریا آمورتی» که به عنوان یک مردم شناس در این محوطه باستان شناسی فعالیت دارد می گوید: این لاک پشت سعی کرده است حفره ای برای پنهان کردن تخم هایش حفر کند، اما موفق نشده و احتمالاً همین هم دلیل مرگ او بوده است. این اکتشاف غیرمعمول با کاوش در محوطه ای صورت گرفته است که در سال ۶۲ میلادی در جریان یک زلزله شدید ویران شده و سپس به یک حمام عمومی مورد استفاده قرار گرفته است. محل کشف این لاک پشت در ابتدا یک خانه مجلل با موزائیک های نفیس و نقاشی های دیواری بوده که

کشف مقبره باستانی زیر یک خانه

که در این مقبره دفن شده اند احتمالاً به اشراف زادگان جامعه «وریکانچو» (Ruricancho) تعلق دارند. این گروه از مردم زمانی در «لیما» کنونی سکونت داشتند. «هیپولیتو تیکا»، مالک خانه ای که این مقبره زیر آن کشف شده است در گفت و گویی گفت این اکتشاف او را شگفت زده کرده است. کاوش در این خانه از یک ماه پیش و زمانی شروع شد که «تیکا» تصمیم گرفت خانه اش را بازسازی کند. با توجه به اینکه پیش از این صدها اکتشاف باستان شناسی متعلق به فرهنگ های قبل و بعد از «ینکا» ها در منطقه نزدیک این خانه صورت گرفته است، باستان شناسان این خانه را مورد بررسی قرار دادند.



چرا «خانواده دکتر ارنست» بیشتر در جزیره نماندند؟!



شاید خود ژاپنی ها و کمپانی تولیدکننده - استودیو نیون انیمیشن - اگر می دانستند قرار است کارتون را تولید کنند که پس از گذشت ۴۱ سال از ساخت، هنوز هم که هنوز است چند وقت یک بار از تلویزیون ایران پخش می شود، ترغیب می شدند که کمی بیشتر اعضای این خانواده را در جزیره نگه دارند تا شاید داستان های بیشتری برایشان رقم بخورد!

به گزارش ایستا، «خانواده دکتر ارنست» کارتون بود که چهار دهه قبل برای پخش از تلویزیون توکیو ساخته شد و حدود یک سال هم از این شبکه (فوجی تلویژن) روی آنتن رفت. این انیمیشن در کشور ما هم با فاصله چندساله ترجمه و دوبله شد و اتفاقاً از آن دست انیمیشن های بود که هم کودکان به تماشای آن نشستند و هم محبوب بزرگسالان شد. کارتون «خانواده دکتر ارنست» در این سالها بارها از شبکه های تلویزیونی پخش شده و اتفاقاً با کارتون «تیک و نیکو» را هم تابستان امسال هم برای پخش از شبکه کودک در نظر گرفته شده است؛ اما به رغم تکنیک ابتدایی این انیمیشن نسبت به تولیدات این روزهای غولهای انیمیشن سازی دنیا، هنوز هم صداسویما و البته بسیاری از خانواده های ایرانی ترجیح می دهند، کودکی فرزندان شان را با همین کارتون های تاریخ مصرف گذشته ژاپنی پر کنند تا انیمیشن های بعضاً آکنش و خشن یا تولیداتی که با فرهنگ و ضوابط ما چندان هم خوانی ندارند. «خانواده دکتر ارنست» در دهه ۸۰ میلادی بر اساس یک رمان ساخته شد. اسم اصلی این کارتون هم چیز دیگری است: «خانواده سوئیسی رابینسون، جزیره اسرارآمیز فلون» و البته رمان هم عنوان دیگری دارد: «خانواده سوئیسی رابینسون». کتاب در سال ۱۸۱۲ توسط نویسنده ای سوئیسی به نام یوهان داوید ویس به زبان آلمانی نوشته شده بود و اتفاقاً این نویسنده با نگارش همین رمان هم به شهرت رسید. نکته جالب اینکه خود داوید ویس هم اذعان کرده که رمانش را با الهام از کتاب «رابینسون کروزوئه» اثر دانیل دفو نوشته است. از نکات قابل توجه دیگر در کارتون خانواده دکتر ارنست، آن است که اصلاً شخصیت اصلی با نام «فلون» در رمان وجود ندارد. در کتاب یوهان داوید ویس، خانواده رابینسون فقط شامل پدر، مادر و چهار پسر (بدون دختر) است و احتمالاً شخصیت فلون برای نسخه کارتون می معرفی شده است تا دختران بیشتری جذب مجموعه شوند. او شخصیت اصلی و دختر میانی خانواده رابینسون است. فلون دارای روحیه آزاد است و مایل به انجام هر کاری است. او همیشه با ذهن خود صحبت می کند و از انجام کارهای جدید لذت می برد. داستان معمولاً از دیدگاه او گفته می شود. خانواده اش یازدهمین سالگرد تولد او را در ۱۳ سپتامبر در این جزیره جشن می گیرند. ماهیازای سایر شخصیت های کارتون، خصوصاً فرزندان - هم بعضاً با کمی تفاوت سنی و نام، در رمان دیده می شوند. اما در ایران آنچه «خانواده دکتر ارنست» را برای مخاطبان جذاب تر کرد، قطعاً دوبله موفق کار است. در آن زمان تلویزیون داستان های بیشتری برایشان رقم می خورد!

مدیر دوبلاژ کارتون «خانواده دکتر ارنست»، مهدی علی محمدی بود. از قدیمی ها و تحصیل کرده های این حوزه، که از سال ۴۰، پس از گذراندن تجارب موفق در تئاتر و رادیو، وارد رادیو شد و پس از مدتی عرصه دوبله و گویندگی را انتخاب کرد. علی محمدی همکار می با کارتون «تیک و نیکو» را هم در کارنامه هنری اش داشت. علی محمدی در سال ۹۸، در حالی که ۹۵ سال در گذشت. اما شخصیت اصلی کارتون یا همان فلون را ناهید امیریان شمس آبادی گویندگی کرد. او در سال ۱۳۳۸ و زمانی که فقط پنج سال داشت توسط پدرش رضا امیریان وارد عرصه دوبله شد. هنوز خواندن و نوشتن نیاموخته بود که دوبلورها دیالوگ را به او می گفتند و امیریان آن را حفظ می کرد و می گفت. حتی چند قوطی فیلم زیر پایش می گذاشتند تا قد او به میکروفون برسد و بتواند گویندگی کند. او به همراه زهره شکوفنده، شهرام شکوفنده و منیژه نویدی از نخستین و فعال ترین پیچ گوینان دوبله ایران به طور حرفه ای بوده اند. در کارنامه هنری ناهید امیریان نویسنده ای سوئیسی به نام یوهان داوید ویس به زبان آلمانی نوشته شده بود و اتفاقاً این نویسنده با نگارش همین رمان هم به شهرت رسید. نکته جالب اینکه خود داوید ویس هم اذعان کرده که رمانش را با الهام از کتاب «رابینسون کروزوئه» اثر دانیل دفو نوشته است. از نکات قابل توجه دیگر در کارتون خانواده دکتر ارنست، آن است که اصلاً شخصیت اصلی با نام «فلون» در رمان وجود ندارد. در کتاب یوهان داوید ویس، خانواده رابینسون فقط شامل پدر، مادر و چهار پسر (بدون دختر) است و احتمالاً شخصیت فلون برای نسخه کارتون می معرفی شده است تا دختران بیشتری جذب مجموعه شوند. او شخصیت اصلی و دختر میانی خانواده رابینسون است. فلون دارای روحیه آزاد است و مایل به انجام هر کاری است. او همیشه با ذهن خود صحبت می کند و از انجام کارهای جدید لذت می برد. داستان معمولاً از دیدگاه او گفته می شود. خانواده اش یازدهمین سالگرد تولد او را در ۱۳ سپتامبر در این جزیره جشن می گیرند. ماهیازای سایر شخصیت های کارتون، خصوصاً فرزندان - هم بعضاً با کمی تفاوت سنی و نام، در رمان دیده می شوند. اما در ایران آنچه «خانواده دکتر ارنست» را برای مخاطبان جذاب تر کرد، قطعاً دوبله موفق کار است. در آن زمان تلویزیون داستان های بیشتری برایشان رقم می خورد!

عکس روز:



«بره سر» شهرستان رودبار

شهروند عکاس

عکس های حرفه ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع ارسال

toloudaily@gmail.com

کنید تا در روزنامه درج گردد